

بازخوانی خانه های تاریخی شهر شیراز با تأکید بر جایگاه مؤلفه های طبیعی در حیات قرآنی

طاهره نصر^۱، امین ریسمانی^۲، منصور بهادری^۳

چکیده

تعالیم اسلامی انسان را به عنوان جانشین خداوند تبارک و تعالی در زمین معرفی می نماید. بنابراین انسان خلیفه الله باید در پی تجلی دادن کیفیاتی باشد که به ایجاد محیط مناسبی برای زندگی انسان و توسعه زمین بینجامد. انسان در برخورد با پدیده ها و همینطور اعمال خویش باید اصولی را مرعی دارد که اهم آنها از طبیعت نیز (به عنوان خلق الهی) قابل استنباط و استنتاج هستند و از جمله مهم ترین آنها رعایت عدل است. برای شناخت مبانی تفکری که حفاظت از طبیعت و عناصر طبیعی را در جامعه ای به عنوان یک فرهنگ و باوری قوی ایجاد می کند، توجه به منابع و مأخذ اصلی آن تفکر ضرورت دارد. در مواجهه و تماس با طبیعت و عناصر طبیعی یکی از مهم ترین منابع فرهنگ ایرانی قرآن کریم است که تعالیم آن جهت دهنده و کمال بخشنده فرهنگ ایرانی بوده است. آیات قرآن و احادیث و تعالیم پر حکمت اسلامی همواره طبیعت و عناصر آن را مهم و قابل توجه دانسته است و فقه شیعه نیز بر حکم تحریم شرعی در مورد استفاده ناروا از طبیعت تفاسیر متعدد داشته است.

مقاله حاضر ضمن بیان مؤلفه های هویت طبیعی مؤثر در معماری و تأکید آیات و روایات قرآنی بر هریک از آنها به عنوان متغیرهای اصلی تحقیق در «حیات»، به بیان جایگاه این مؤلفه ها در معماری مسکونی ایرانی اسلامی و به ویژه «حیات» می پردازد و برای نمونه خانه های تاریخی دوره های زندیه، قاجاری و پهلوی در شیراز مورد بازخوانی قرار می گیرد. همچنین راهکارهایی برای دوران کنونی بیان می گردد تا حیات طیبه اسلامی مورد توجه اندیش ورزان قرار گیرد. روش تحقیق این مقاله، کیفی است و روش جمع آوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه ای و اسنادی می باشد. نتایج حاصله حاکی از آن است که بین آیات قرآنی و احادیث و توجه به «حیات» و «مسأله سکونت در معماری مسکونی ایرانی اسلامی» می توان رابطه ای دانست که با توجه به مؤلفه های هویت طبیعی هر اقلیم این مسأله خود را بروز می دهد.

واژه های کلیدی: هویت، حیات، طبیعت، آسایش انسان، معماری مسکونی ایرانی اسلامی در شیراز

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۱۰

۴۷

شماره ۳-۷
پاییز ۱۳۹۶

فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

بازخوانی خانه های تاریخی شهر شیراز با تأکید بر جایگاه مؤلفه های طبیعی در حیات قرآنی

۱ دکترای تخصصی شهرسازی، استادیار، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران nasr@iaushiraz.ac.ir

۲ کارشناس ارشد معماری، مدرس گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران amin.4866@gmail.com

۳ کارشناس ارشد معماری، دبیر اجرایی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور، تهران، ایران bahadori.architect@gmail.com

مقدمه

عناصر طبیعت، موجودات و مناسبات زیستی متعادل بین آنها تشکیل دهنده طبیعت است. خداوند متعال این سرمایه غنی را به بشر ارزانی داشته تا انسان ها و موجودات ضمن بهره‌مندی از آن، به عمران و آبادانی زمین همت گمارند و بستر زیست‌گاهی مناسب برای همه موجودات باقی بماند. از این رو حق استفاده از آن را باید از مصادیق مهم حقوق بشر دانست. قرآن کریم در آموزه‌های توصیفی و حتی دستوری خود بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هرگونه تجاوز، تعدی و فساد در آن تأکید داشته و بر این اساس تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته است که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت [۱]. انسان بایستی محیطی را به وجود آورد که امکان پرهیزگار بودن و پرهیزگار ماندن را برای او فراهم آورد. علاوه بر این، محیط باید انسان را در انجام اعمال نیک و عدم ارتکاب گناه و همین‌طور در جهت تذکر و یادآوری معانی و مفاهیم معنوی یاری رساند. و این مساله مهمی است که امروزه در مباحث روانشناسی محیطی و رفتارهای محیطی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته، و مؤید لزوم توجه به نقش محیط در هدایت انسان است [۲]. در فرهنگ اسلامی، انسان جانشین خداوند در زمین است [۳] که بر بسیاری مخلوقات برتری داده شده [۴] و زمین به عنوان محل زندگی او قرار داده شده است [۵] و [۶] و [۷] از آنجایی که انسان برای حیات در جهانی دیگر خلق شده [۸]، و زمین تنها به عنوان ممر و مکان آماده شدن و ملاحیت یافتنش برای ورود به حیات جاویدایفی نقش می‌نماید [۹] و [۱۰]، بنابراین مهم‌ترین ضرورت نیز بهره‌گیری مناسب از جهان و اجزا، آن برای وصول به این اهداف می‌باشد. از مجموعه ویژگی‌هایی که اسلام برای حیات و فعالیت انسان تبیین می‌نماید چنین استنباط می‌شود که افعال انسان به عنوان جانشین خدا در زمین بایستی به صفات فعل الهی متصف باشد. به این ترتیب مجموعه ویژگی‌های تاثیرگذار بر فعالیت‌های انسان از «از اصول توصیه شده برای حیات وی» و «قوانین حاکم بر عالم وجود» تشکیل یافته است.

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده تفکر و فرهنگ ایرانی است که این فرهنگ نیز به نوبه خود نگرش به طبیعت را به عنوان جزئی از خویش، در ذهن و روش زندگی ایرانیان شکل داده است. علمای اسلام نیز به تبعیت از این تعالیم و سخنان معصومین (ع) (رسول اکرم (ص))، امام علی (ع) و امام صادق (ع) از طبیعت به عنوان یک منبع شناخت یاد می‌کنند. همه اینها لزوم ارتباطی نزدیک

و مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می‌نماید تا امکان بهره‌گیری از این آیات الهی و تفکر در آنها فراهم آید.

خدای سبحان، نظام کیهانی و زمین و محیط زیست را آفرید و آن‌ها را در اختیار انسان نهاد تا او را بر اسامی دستورهای خود بیازماید و ببیند که وی پس از مطالعه و شناخت لازم، چگونه از این امانت‌های الهی در مسیر طاعت خالق بهره می‌گیرد و با مزایا و نعمت‌های زیست محیطی پروردگار چگونه رفتار می‌کند. زمانی نعمت‌ها و امکانات در راستای هدف آفرینش قرار می‌گیرند که از آن‌ها به درستی بهره‌برداری و از افراط و تفریط پرهیز شود. روز قیامت نیز از همه نعمت‌ها بازخواست می‌شود: (لتسئلن یومئذ عن النعم) [۱۱] و انسان باید بداند که محیط زیست متعلق به همگان است و وظیفه دارد در حفظ و آبادانی آن بکوشد تا خود نیز بتواند از مواهبش برخوردار شود، زیرا طبق فرموده امام صادق (ع) زندگی بدون محیط زیست پاک (هوای پاکیزه، آب فراوان و زمین بارور) گوارا و شیرین نمی‌شود [۱۱].^۱ در آموزه‌های دینی توجه ویژه‌ای به محیط زیست شده و برای کسانی که در احیا و نگهداری آن می‌کوشند پاداش مادی و معنوی فراوانی ذکر شده است؛ برای نمونه، رسول خدا (ص) می‌فرماید: هرکس درختی بکارد خدا به اندازه محصول آن پاداش می‌نویسد [۱۲].^۲ در مقابل، اگر از طبیعت و امکانات مادی به گونه‌ای مناسب و شایسته بهره‌گیری نشود آثار زیانبار و گاه جبران‌ناپذیری در پی دارد [۱۳].

رویکرد خاص طبیعت‌گرایانه معماری در دوران اسلامی قابل توجه است. محله‌های شهرهای ایرانی اسلامی در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردار هستند [۱۴]. شهر اسلامی در عین آنکه تا حدی به علت آنچه ساخت دست بشر است از طبیعت جدا مانده است و پیوسته توانسته است تعادل خود را با محیط طبیعی و نیروهای طبیعی و عناصری همچون آب، خاک، هوا و نور که زندگی آدمیزاد وابسته به آن‌ها است محفوظ نگاه دارد. معماری و شهرسازی اسلامی هرگز با مبارزه با طبیعت و بی‌اعتنایی نسبت به آن همراه نبوده است. این معماری بیانگر این است که چگونه دانش آدمی برای بهره‌برداری هرچه بهتر از عوامل موجود طبیعی برای ایجاد یک معماری که در عین حال هم زیبا و هم کارآمد است و هم اصول اسلام را منعکس می‌کند و در عین حال با طبیعت نیز در حالت هماهنگی است، مورد استفاده قرار گرفته است [۱۵]. علی‌رغم توسعه شهرنشینی در عصر حاضر، اصل هدفمند زیستن که نشانگر غایت محور بودن و هدفدار بودن زیستن انسان است باید

در تمامی بخش‌های مرتبط و تأثیرگذار در حوزه مسائل شهری مدنظر باشد. این موضوع در مباحثی همانند گزینش مکان و جهت‌گیری جغرافیایی ساخت ابنیه (شمالی و جنوبی بودن) مطرح است [۱۶].

بخش اول مقاله حاضر به بیان مبانی نظری مشتمل بر بیان طبیعت، هویت و مؤلفه‌های هویت طبیعی مؤثر در کالبد معماری می‌پردازد. در این بین بیان آیات و روایات در مورد هر مؤلفه به جایگاه ارزشی آنها تأکید می‌نماید. در بخش بعد این مؤلفه‌ها در معماری مسکونی دوره زندیه تا پهلوی در شیراز مورد بازخوانی قرار می‌گیرد.

مسئله تحقیق

پرسش اصلی در این مقاله این است که چگونه می‌توان به توجه به تفاسیر اسلامی و فقهی شیعه مبنی بر توجه به بُعد اخلاقی طبیعت، معماری مناسب ایجاد نمود. آیا در معماری مسکونی دوره‌های زندیه تا پهلوی در شیراز عناصر معماری اقلیمی وجود دارد؟ با توجه به اینکه در معماری موارد مربوط به اقلیم، طبیعت و بکارگیری عوامل طبیعی جهت به خدمت گرفتن طبیعت و تعامل آن با معماری مورد بررسی قرار می‌گیرد مسئله مورد نظراین است که در معماری هر دوره چگونه مؤلفه‌های طبیعی به عنوان عاملی هویت بخش برای شکل دهی به معماری آن دوره نقش داشته است؟

از این رو به بررسی مؤلفه‌ها و پارامترهای اقلیمی که در معماری سنتی ایران تأثیر گذار بوده‌اند (به عنوان مؤلفه‌های هویت طبیعی معماری) پرداخته شده است. این مؤلفه‌ها شامل باد، تابش، رطوبت، گیاهان و آب می‌باشد و تعدادی از پارامترهای معماری اقلیمی چون ایوان، حیاط مرکزی، سطح بازشوها و اختلاف ارتفاع بنا و حیاط نیز در نظر گرفته شده و به تحلیل و بررسی این موارد در نمونه‌های موردی پرداخته شده است.

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده با توجه به کنکاش در مسکن سنتی ایرانی در شیراز و معماری امروزی مسکن به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی، کتابخانه‌ای و اسنادی است. در بخش مطالعات تفاسیر فقهی شیعه برای مؤلفه «طبیعت» مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در مطالعات میدانی به کلیت ساختار معماری مسکونی شیراز در دوره‌های تاریخی زندیه، قاجاریه و پهلوی توجه

شده و در نمونه‌های مورد بررسی، مؤلفه‌های هویت طبیعی مؤثر در معماری به عنوان پارامترهای اصلی مورد بررسی قرار گرفته است.

تعاریف پایه

هویت

هویت: شهرها به دلیل آن که بیانگر و جلوه‌گاه باورها و شیوه زیست مردم و نتیجه نگرش آنها به هستی هستند [۱۷]، می‌توانند به عنوان عامل هویتی یک تمدن و یک ملت و یک جامعه ظاهر شوند.

هویت موضوعی است که تفاوت معماری و سیمای شهر قدیم ایرانی و معماری و سیمای شهر معاصر را موجب شده است. مطالعات در عرصه‌ها و پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته برای هویت بخشیدن به ساختار معماری بناها در شهرهای کنونی لازم است. مهم‌ترین بنای مورد استفاده در شهرها همواره بناهای با کاربری مسکونی بوده‌اند. می‌توان با شناسایی اصول شکل‌دهنده فضاهای شهری ایرانی، به نظام پایدار برنامه‌ریزی برای شهر معاصر اندیشید. بنابراین برای این منظور باید دید تغییر و تحولات هر دوره چگونه و تا چه حد بوده است؟ عناصر طبیعی، ساختارها و کالدهای مصنوعی شهر موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آن‌ها در دوره‌های مختلف سبب شناسایی تمایزهای هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شکلی شهر را سبب می‌گردد.

باید توجه داشت که «هویت» نه تنها یک صفت نیست بلکه فراتر از صفت، مطرح است. لذا دارای «ماهیت» است و تنها یک هنجار نیست [۱۸].

طبیعت

آنچه که انسان در پدید آوردن آن نقشی نداشته باشد را طبیعت گویند. طبیعت و محیط زندگی انسان رابطه تعاملی است که بین انسان و تأسیسات و محیطی که در آن به وجود می‌آید شکل می‌گیرد [۱]. واژه لاتین «Nature» از ریشه «Nat» به معنی زادن و زاده شدن گرفته شده است و این خود همین مفهوم کهن زاینده‌گی طبیعت و فرزند می‌آید می‌کند. اما واضح است که در تعالیم اسلامی این مادر بودن طبیعت به شکل مطلق آن نیست، بلکه انسان اساساً مربوط به عالم دیگری بوده و به طور موقت به این عالم تبعید شده است، اما در عین حال، در این دوران از دل طبیعت برمی‌خیزد و با آن رشد می‌کند، سید حسین نصر با توجه به همین تفاوت در مفهوم مادر بودن طبیعت نکته لطیفی را یادآوری می‌کند و می‌گوید:

مایه کمال شگفتی است که هر جا در سراسر جهان که آدمی خود را همچون کسی تبعید شده بر روی زمین تصور می‌کرده، با طبیعت در حال صلح و آرامش می‌زیسته است و توگویی زمین جایگاه ابدی او بوده است و آنگاه که به این توجه کرد که خود را آفریده خاکی و زمینی محض و زمین را جایگاه نهایی خود بشناسد، به ویران کردن جایگاه خود با سببیتی بی سابقه پرداخته است [۱۹]. دقیقاً به همین دلیل است که در قرآن کریم مسئله مادر بودن طبیعت را کنار اجازه بهره برداری از آن آورده و هر دو را تحت اراده الهی معرفی می‌کند و می‌گوید: «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» [۲۰]. در حقیقت جنبه زاینده‌گی طبیعت حقوقی را برای آن ایجاد می‌کند که انسان موظف به ادای آن خواهد بود و معنای حفظ محیط زیست چیزی جز این نیست. این مسئله تعادل و تعامل بین انسان و طبیعت است که اصل مهمی در فلسفه طبیعت در اسلام است. در فرآیند مبادله میان انسان مسلمان و طبیعت این احساس وجود دارد که به صورت مداوم چیزی به دوره گردش طبیعت باز پس داده می‌شود تا تعادل ترازوی زندگی محفوظ بماند [۱۹]. این همان اعمال نیروی خلافت الهی در زمین است که سبب می‌شود انسان به اقتضائات حقیقی طبیعت توجه کند و آن‌ها را در مسیر رشد هدایت کند [۲۱].

طبیعت و ویژگی‌هایش، چگونگی ارتباط انسان با طبیعت و روند بهره‌گیری از آن همواره یکی از موضوعات مهمی بوده است که از دیدگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی، هنری، فنی، اقتصادی و سیاسی متفکران و اندیشمندان جوامع و تمدن‌های مختلف را به خود مشغول نموده است. ایده سلطه بر طبیعت و مفهوم مادی‌گرایانه علوم نیوتونی از طبیعت بر زندگی انسان معاصر سبب شده است که انسان‌های معتقد به ماوراء الطبیعه نیز اهمیت معنوی طبیعت را فراموش کنند و علیرغم پیروزی ظاهری انسان بر طبیعت، یک نوع عدم تعادل مخرب بین انسان و طبیعت به منصفه ظهور برسد. به همین دلیل رجوع به باورها و ارزش‌های ایمانی و فرهنگی جوامع و به ویژه جوامع دینی در مورد طبیعت و عناصر طبیعی می‌تواند در جهت تبیین اهمیت طبیعت و اصول حاکم بر آن و چرایی و چگونگی استفاده از آن راهگشا باشد. اما علاوه بر ظاهر طبیعت و علاوه بر عناصر طبیعی بخش مهم دیگری از طبیعت، قوانین حاکم بر آن و همین‌طور ارزش‌های مستتر در طبیعت هستند که با مطالعه و تفکر و تدبیر استفاد شده و می‌توانند به عنوان راهنمای برنامه‌ریزی و طراحی و اصلاح اموریفای نقش نمایند [۲].

طبیعت در آیات مبارکه قرآنی و سنت محمدی (ص)

در اندیشه اسلامی، همچون بسیاری از نگرش‌های الهی، سامانه و دیدگاه کل‌گرایانه به طبیعت و جهان مطرح است که ریشه در آموزه‌های قرآنی و روایات اسلامی دارد. از جمله نگرش‌های مطرح شده در اندیشه اسلامی می‌توان به این موارد اشاره کرد: طبیعت، بستر لازم برای شکل‌گیری بعد جسمانی و روحانی و به تعبیری مادر انسان است، (هوانشاکم من الارض) [۲۰] خداوند شما را برای عمارت و آباد کردن زمین برگماشت. همچنین ارزش طبیعت از لحاظ وجود شناسی، پایین‌تر از بعد روحانی انسان است، (والتین والزیتون، و طور سینین، و هذا البلد الامین، لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم، ثم رددناه اسفل سافلین) [۲۲] قسم به انجیر و زیتون و قسم به طور سینا و قسم به این شهر مکه که در امن و امان است، ما انسان را در احسن تقویم بیافریدیم و سپس به کفر گناهانش به اسفل السافلین برگردانیم. در اینجا به موجودات طبیعی و به طبیعت سوگند خورده شده که جایگاه اصلی انسان طبیعت نیست. او خلقت احسنی دارد و مسافری است تا عالی‌ترین مراتب وجود یعنی اعلی‌علین. همچنین انسان وظیفه آباد نمودن و تسخیر طبیعت را دارد، (استعمرکم فیها) [۲۰] شما را برای عمارت و آباد کردن زمین برگماشت، (سخر لکم مافی السموات و مافی الارض جمیعاً) [۲۳] هر چه در آسمان و زمین است در تسخیر و رام شما قرار داد. پیامبر اسلام نیز فرمودند که طبیعت مادر انسان است. سخنان گوناگون و متعددی از پیامبر اکرم می‌توان یافت که زمین را به عنوان مادر انسان معرفی نموده‌اند. به طور مثال فرموده‌اند: «خودتان را از زمین حفظ کنید چرا که زمین مادر شماست و هیچ کس نیست که کار خوب یا بدی در آن بکند مگر آنکه او باخبر است (و واکنش نشان می‌دهد)» [۲۴]. همچنین وقتی کسی در حضور حضرت باعصایش به زمین می‌زد تا آن را برای نشستن مناسب‌تر کند، حضرت فرمود: زمین را زن که او مادر شماست و به شما مهربان است [۲۵] [۲۱].

در مورد ویژگی تذکرده‌ی و عبرت‌دهی طبیعت و عناصر طبیعی، توجه به این نکته ضروری است که در تفکر اسلامی، طبیعت و عناصر آن به عنوان پدیده‌های مستقل مطرح نمی‌شوند، بلکه اینان آیات و نشانه‌هایی هستند که همواره به حقیقتی والا که همان خالق عالم هستی است اشاره دارند [۲۶] و [۲۷].

هویت طبیعی

در ابتدا باید گفت هویت محیطی با موضوعاتی همچون هماهنگی با محیط طبیعی، بهره‌گیری از مصالح بومی و عناصر طبیعی مشخص مرتبط است. همچنین هر شهر از جایگاه ویژه طبیعی برخوردار است که آن را از سایر شهرها

طراحی و ساخت مسکن لحاظ شود. قرآن درباره هوای بهشت می‌فرماید: «لا یرون فیها شمساً ولا زمهیراً» [۳۲]، در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی. این آیه بیان می‌دارد که هوای بهشت از نظر گرما و سرما در حد مطبوعی است [۳۳]. باد (جریان هوا) علاوه بر نقشی که در تداوم حیات بسیاری از موجودات موجود بر کره زمین دارد، نقش‌های مهمی نیز در تنظیم شرایط اقلیمی (حرکت ابرها)، انتقال آلودگی‌ها، تلقیح گیاهان، بشارت دهنده‌گی رحمت الهی [۳۴] و [۳۵]، آیه الهی بودن [۳۶] و همچنین نزول عذاب الهی دارد [۳۷]، [۳۸]، [۳۹]، [۴۰]، [۴۱] و [۴۲]. برخی آیات بیان‌کننده ویژگی‌های باد عبارتند از: «و ارسلنا الیاح لو اقحف انزلنا من السماء ماء، فاسقیناکم و هو ما انتم بخازنین: و ما بادهای آبستن کن رحم طبیعت را فرستادیم و هم باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب شما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیدیم (و گرنه) شما نمی‌توانستید منبع ساخته و جاری سازید [۴۳] و [۴۴]، «و هو الذی ارسل الیاح بشرایین یدی رحمته: و او خدایی است که بادها را برای بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد [۳۴]، [۳۵] و [۲]».

گیاه

اهمیت درختکاری چنان است که رسول خدا (ص) درباره آن فرمود: اگر نهالی در دست یکی از شما است و در آستانه برپایی قیامت به اندازه کاشتن آن فرصت دارد، آن را بکار [۴۵]. انواع مختلف گیاهان، علاوه بر نقشی که در شکل دادن محیط زیست انسان در تولید اکسیژن و جذب آلودگی‌ها ایفا می‌نمایند، تلطیف‌کننده محیط مصنوع نیز بوده، و معانی نمادین خاص خویش را دارا هستند. گیاهان نمادی از بهشت [۴۶]، [۴۷]، [۴۸]، [۴۹] و [۵۰] و یادآور و دلیل بر معاد می‌باشند [۵۱]. در آیاتی از قرآن کریم خداوند به گونه‌هایی از گیاهان قسم یاد می‌فرماید (والتین و الزیتون: قسم به انجیر و زیتون) [۵۲]. و یا برخی از آنها با ذکر نام به عنوان نعمات الهی [۵۳]، [۵۴]، [۵۵]، [۵۶]، [۵۷]، [۵۸] و [۵۲] مورد تأکید قرار گرفته‌اند [۲].

آب

یکی از وجوه بارز منظر و همچنین آنچه که از متون مذهبی بر می‌آید، جنبه سمبلیک و معانی معنوی طبیعت و عناصر طبیعی و از جمله آب است. در هر مجموعه مذهبی و فرهنگ دینی و معتقد به ماوراء الطبیعه آب نقشی اساسی ایفا می‌نماید.

آیاتی از قرآن مجید به کرات آب را به عنوان یکی از عناصر و نعمات بهشتی معرفی می‌نمایند: «و بشر الذین آمنوا و

متمایز می‌کند. ویژگی‌های بستر طبیعی هر شهر، بخشی از هویت شهر را به تصویر می‌کشد که در قالب هویت طبیعی شهر قابل تعریف است. عناصر طبیعی نشان‌دهنده هویت طبیعی هر مکان می‌باشند و از آنجا که طبیعت از ابتدا جزئی از وجود انسان بوده و فرد در کنار آن به آرامش می‌رسد، شهرها و عناصر آن باید چنین محیط و بستری را فراهم سازند و محل آرامش انسان باشند. این آرامش عموماً در کنار جنبه کالبدی، جنبه احساسی و روانی نیز دارد. به این ترتیب که عناصر طبیعی و برجسته محیطی نشانه‌هایی آشنا برای افراد شهر می‌باشند و این نشانه‌ها با افراد و ساکنان و شهروندان آن ارتباط برقرار می‌کند و جزئی از وجود و خاطره آنها می‌شود [۲۸]. در فرهنگ اسلامی ایران همواره بر استفاده از عوامل طبیعی (نور، گیاه، هوا، آب) در خانه تأکید شده است و از آنها به بهترین شکل استفاده شده است که نمود آن در معماری سنتی ما خود را نشان داده است. بنا بر این فرهنگ، باید طراحی بنای خانه متناسب با استفاده مطلوب از عوامل طبیعی صورت گیرد [۲۹].

مؤلفه‌های هویت طبیعی

طبق آن چه بیان گردید، برخی از مؤلفه‌های هویت طبیعی را می‌توان نور، باد، گیاه و آب برشمرد.

نور

نور پدیده‌ای است که در تعالیم قرآنی به عنوان نماد و نشانه بسیاری وجوه و مفاهیم والا و زیبا معرفی می‌گردد، از جمله: الله نور السموات و الارض: خدا نور (وجود بخش) آسمان‌ها و زمین است [۳۰] و [۲]. فقدان نور نیز سایه است که خود معانی والایی را در خود مستتر دارد و از آن جمله تعبیر مرحوم علامه طباطبائی (در تفسیر آیه ۴۸ سوره نحل) است که می‌فرماید: «همه اینها در برابر خدا خاضع و ذاتاً در برابر او منقادند و خضوع و ذلت خود را به این نحو عبادت تکوینی (گستراندن سایه بر زمین) اظهار می‌دارند [۳۱]. به هر حال سایه نیز از عناصر یا قلمروهای مهمی است که تحت عنوان «نور» اشاره به آن بی‌مناسبت نخواهد بود. همچنین قابل ذکر است که بهره‌گیری از نور خورشید در سلامتی ساکنان خانه مؤثر است. بسیاری از ساختمان‌های امروزی، اگر برق نباشد، تاریکخانه‌ای بیش نیست.

باد

تامین دمای مطلوب در تابستان و زمستان، با تجهیز ساختمان به سیستم‌های سرمایش و گرمایش، باید در

عملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الأنهار»، و مزده ده‌ای پیغمبرکسانی را که ایمان آورده‌اند و نیکوکار شدند، به یقین آن‌ها راست باغ‌هایی که جاری است در آن‌ها نهرهای آب [۴۶]. موضوعات سایر آیاتی که به این موضوع اشاره دارند عبارت‌اند از: آب جاری تحت غرفه‌های بهشت [۵۹]، آب جاری در بهشت [۶۰]، آب جاری و درخت در بهشت [۴۶]، [۴۸]، [۴۹]، [۵۰]، [۶۱]، [۶۲]، [۶۳]، [۶۴]، [۶۵]، [۶۶]، [۶۷]، [۶۸]، [۶۹]، [۷۰]، [۷۱]، [۷۲]، [۴۷]، [۴۸]، [۷۳]، [۷۴]، [۷۵]، [۷۶]، [۷۷]، [۷۸]، [۷۹]، [۸۰] و [۸۱]، آب زلال در بهشت [۸۲]، آب از سرچشمه‌های گوارا به بندگان خاص خدا در بهشت [۸۳]، چشمه‌های آب در بهشت برای متقین [۸۴] و نهر آب و شیر و شراب و عسل در بهشت [۸۵].

همچنین آیاتی از قرآن کریم معرفی شدند که همراهی آب و گیاه در بهشت اشاره داشتند، مضافاً این که بسیاری از آیات به آبادانی و رویش گیاه و خرمی توسط آب اشاره داشتند. علاوه بر این‌ها آیات دیگری نیز به این موضوع اشاره می‌نمایند: آب عامل رویش محصول [۸۶]، آب و باغ: رحمت [۸۷] و آب و باغ: مدد الهی [۸۸]، همراهی آب و گیاه برای انسان آنچنان واجد اهمیت است که در قرآن کریم، دوری از آب و باغ به عنوان عذاب [۸۹] مطرح شده است [۲].

حیات

ابتدا به برخی از موارد درباره «حیات» در قرآن کریم اشاره می‌شود.

واژه «حیات» و مشتقات آن، ۹۶ بار (مشمول بر ۷۱ بار واژه «حیات»، ۳ بار «حیاتکم»، ۱ بار «حیاتنا»، ۱ بار «لحیاتی»، ۱ بار «حی»، ۱۴ بار «حی» و ۵ بار «حیا») در قرآن کریم به کار رفته است که همه آنها یا به «زندگی دنیایی» یا به «زندگی مطلق» اشاره دارند؛ با این توضیح که واژه «حیات» فقط یکبار به صفت «طیبه» متصف شده است [۹۰].

موضوع کیفیت زندگی و معیارهای آن یکی از نظریه‌ها و موضوعاتی است که امروزه به عنوان یکی اصلی‌ترین مباحث در مقوله شهرنشینی مطرح می‌باشد. در بحث حاضر، نکته مهم، نقش معماری و شهر (و کالبد آن) در ارتقای کیفیت زندگی است. علاوه بر آن، تعریف «زندگی» از منظر تعلیم و حیانی نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در تعریف کیفیت زندگی و معیارهای آن خواهد بود. مهمترین ساحت حیات، ساحت معنوی و روحانی حیات است که باید در تعریف کیفیت زندگی، و معیارهای آن مورد توجه جدی قرار گیرد. خلاصه‌این که هم در تعریف کیفیت

حیات و هم در تعیین معیارهای آن، علاوه بر ملحوظ داشتن تعاریف و معیارهای جاری (و البته با بومی کردن آن‌ها) ساحت روحانی و معنوی حیات انسان نیز که اصل و اساس و هدف زندگی است بایستی مورد امان نظر قرار گیرد. اگرچه توجه به کیفیت زندگی و اهتمام در ارتقای آن جزء وظایف جامعه و به ویژه مدیریت شهری است، اما توجه به ارزش‌های فرهنگ جامعه و تدوین معیارها و الگوها و ملاک‌های مستقل و بومی نیز باید مد نظر قرار گیرند [۹۰].

شکل‌گیری محیط زندگی مطلوب

قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن عبدالله بن حسین بن هبه الله راوندی کاشانی (متوفای ۵۷۳ ه. ق) معروف به قطب‌الدین راوندی محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و مورخ بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. در کتاب «فقه القرآن» پس از ذکر آیات مربوط به هر موضوع، به بررسی فقهی آن می‌پردازد و نتایج فقهی خویش را از آن بیان می‌دارد. ظاهراً راوندی اولین فقیه امامیه است که به شرح و تفسیر آیات الاحکام پرداخته است [۱]. قطب‌الدین راوندی در تفسیر فقهی خود از حکم تحریم شرعی در مورد تجاوز از حدود و استفاده ناروا از نعمت‌های خداوند و طبیعت سخن گفته است و معتقد است خداوند به انسان اجازه داده است تا به صورت حلال از آنچه خداوند در اختیارشان قرار داده بهره‌مند گردند. بنابراین کسی حق ندارد خارج از دستورات الهی از مقدرات پروردگار استفاده کند و هرگونه تصرف باید با رعایت احکام الهی و حلال و حرام خداوند باشد [۹۱].

در آیات متعدد به رعایت اعتدال در محیط زیست اشاره شده است. از آن جمله می‌توان به آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۸۵) اشاره کرد. بنابراین رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است و بدیهی است نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است. «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» [۹۲]. برخی از محققان از این آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن، بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط با محاط را برهم زنداز شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد [۹۳].

همچنین اساتید برجسته اخلاق در بیان ماهیت وجودی انسان اذعان داشته‌اند: انسان آن است که علاوه بر

همه امور، آنها را در تحت رهبری «عقل و وحی» سامان می‌دهد که نه بیراهه برود نه راه کسی را ببندد. جوادی آملی به نقل از امام سجاد در بخش اول دعای صحیفه سجادیه معتقد است: ما برابر فرهنگ قرآن کریم انسان را حی حمید می‌دانیم نه حیوان ناطق! در همان دعای نورانی صحیفه سجادیه آمده است که خدایا اگر راه حمد را به ما نیا موخته بودی ما نعمت‌های تو را صرف می‌کردیم و جامعه‌ای که نعمت الهی را بدون حمد صرف کند از حیات انسانی خارج می‌شود [۹۴].

محیط زندگی انسان‌ها در «معماری» شکل می‌گیرد. «مراد از معماری سنتی ایرانی با عنایت به معنا عبارت است از اصول و روش‌هایی است که اولاً ریشه در اعتقادات و باورهای معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر حقیقت جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان بینی اسلامی-ایرانی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تکامل دائمی هدایتگر باشد» [۹۵]. «معماری بومی روش طراح‌ی عمومیّت یافته‌ای است که از معماری مردمی زاییده شده و می‌توان آن را شکل پیشرفته معماری طبیعی یک خطه معین به حساب آورد که در ارتباط با فرهنگ، آب و هوا و مصالح ساختمانی بیان می‌گردد. مختصات جغرافیایی و اجتماعی هر بوم از عوامل اصلی شکل‌گیری یک زیستگاه است». بررسی ساز و کارهای مربوط به معماری در حوزه‌های بومی و سنتی در تلفیق با یکدیگر یک اصالت و ویژگی خاصی در راستای هویت بخشی به فرهنگ هر سرزمین است [۹۶].

کلی‌ترین عوامل اصلی و طبیعی هر بوم را در سه دسته می‌توان تقسیم نمود: عوامل انسانی، عوامل اقلیمی و عوامل امکانات مادی. با توجه به این سه عامل بالقوه و بالفعل هر بوم، تمدن آن بوم شکل می‌گیرد.

۱- عوامل انسانی با توجه به فرهنگ و اعتقادات هر بوم به عنوان نیروی محرکه آن سرزمین عمل می‌کند و نیازهای اعتقادی را در کیفیت کالبد معماری خود تجلی می‌دهد.

۲- عوامل اقلیمی هر سرزمین از عوامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری و کیفیت معماری بناهای آن بوم را مشخص می‌کند.

۳- امکانات مادی یا مواد و مصالح طبیعی هر سرزمین، نوع ساخت‌مایه هر بوم و کیفیت به کارگیری مواد و مصالح را در آن سرزمین تعیین می‌کند [۹۶].

۳-۱- ویژگی‌های محیط زندگی مطلوب در فرهنگ ایرانی:

در عرصه‌های مختلف جهانی و در دوره‌های مختلف، دسترسی به مسکن یا سرپناه مناسب یکی از حقوق و نیازهای انسانی شناخته شده است. یکی از الگوهای استفاده از مسکن، استفاده از آن بر مبنای نیاز است. منظور از مسکن به عنوان نیاز، در برگرنده مجموعه‌ای از نیازهای انسان است که پاسخ‌گوی نیازهای فیزیولوژیک، روانی و حس تعلّق خاطر انسان باشد.

اهمیت مسکن از جایی نشأت می‌گیرد که بسیاری از نیازهای اولیه هر فرد همانند غذا خوردن، گذرانیدن اوقات فراغت، استراحت و... در آن تأمین می‌شود [۹۷].

خانه سنتی ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از خانه معاصر متمایز می‌کند. در رویکرد شکلی این موارد قابل اهمیت است:

۱- «خانه سنتی ایرانی دارای فضای داخلی و خارجی است. واژه «حیاط» در خانه‌ها معادل courtyard انگلیسی است. امروزه واژه منزل فقط به فضای داخلی اطلاق می‌شود، هر چند که نیاز و خواست شدید به فضای خصوصی خارجی، هم‌چنان وجود دارد» [۹۸].

۲- حفظ حریم خانواده کارکرد اصلی خانه سنتی ایرانی است. حیاط خانه سنتی نشان‌دهنده سطوح مختلف حریم شخصی و قلمرو خصوصی منازل است: از دنیای «نهان» (اندرونی) زنان و کودکان گرفته تا قلمرو عمومی‌تر و «آشکار» (بیرونی) مردها و مشغولیت‌های اجتماعی.

در خانه‌های امروزی می‌توان گفت که حریم شخصی به نوعی قربانی احتیاجات اقتصادی و اجتماعی شده است. ارتباطات مکانی- فضایی ایجاد شده که در ابتدا مبتنی بر نیاز به حریم شخصی بود، کم‌کم تحلیل رفته و به حداقل رسیده است. اثربخشی و گیرایی روابط مکانی- فضایی گذشته نیز از بین رفته است [۹۸].

۳- زندگی درون دیوارهای حیاط خانه‌های مسکونی سنتی پاسخی مناسب به مقوله امنیت خانوادگی بوده است.

۴- «باغ بهشت» مرکز هر خانه ایرانی بوده است.

۳-۲- تعریف معماری مبتنی بر فرهنگ اسلامی:

معماری اسلامی را می‌توان بازآفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه، فضای زیست انسان‌ها با عوامل طبیعی و مصنوعی تأمین‌کننده نسبی نیازهای مادی و بستر ساز نیازهای روحی آن‌ها دانست.

اساساً معماری اسلامی در تعریف دقیق خود، معماریی است که بر پایه اهداف و مبانی دین اسلام پدید آمده باشد. همچنین علت فاعلی معماری، یعنی معمار، خود باید باین اهداف و مبانی ارزشی اسلام آشنایی کامل داشته و نیز بدان‌ها ایمان داشته باشد. آموزه‌های دینی نه تنها می‌توانند اهداف کلی را برای ساماندهی فضا به دست دهند، بلکه با کاوش و موشکافی در آن‌ها می‌توان سلسله مراتب اهداف را از کل به جزء و از جزء به کل برای کار سازمان‌دهی فضا استخراج کرد [۲۱].

ضرورت و اهمیت معماری و ساخت و ساز

در فرهنگ اسلامی آباد کردن زمین، یکی از وظایف انسان است؛ چنانکه نابودی و تخریب آن مورد انتقاد قرآن است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» [۹۹]، اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما وا گذاشت. اسلام برای تشویق مردم به آبادی زمین می‌فرماید: «من احیا ارضا میتا فهو له» [۱۰۰]، هر کس منطقه مرده‌ای را احیا کند مالک آن می‌شود. حضرت علی (ع) به استاندار خود می‌نویسد: «ولیکن نظرک فی عماره الارض» [۱۰۱]، توجه تو در آباد کردن زمین باشد. روشن است که این آبادانی شامل توسعه کشاورزی، توسعه مسکن و توسعه راه‌ها نیز می‌شود [۳۳].

طبیعت در معماری

طبیعت به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را نیز شامل می‌شود. انسان قادر است ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل‌دهنده اخلاق و آداب رفتاری با طبیعت بوده و شایسته است از آن به بُعد اخلاقی طبیعت یاد شود [۱].

چگونگی ارتباط انسان با طبیعت به عنوان زیستگاه خود و سرچشمه بهره‌وری مادی و معنوی از آن، به دیدگاه او و تفسیر او از طبیعت و نمودهای آشکار و وجوه پنهان آن دارد. به طور کلی بر پایه جهان‌بینی‌های گوناگون، می‌توان رویکردهای گوناگونی به طبیعت داشت.

شناخت طبیعت همواره یکی از شالوده‌های هستی‌شناسی انسان بوده است. شالوده‌های دیگر آن، شناخت خداوند و خود انسان هستند. این سه شناخت در همه جهان‌بینی‌ها و باورها همواره مطرح بوده‌اند. برای بشر ماهیت طبیعت، نمودهای آن، آغاز و انجام آن و تفسیر رویدادهای آن همواره قابل توجه بوده است [۱۰۲].

یکی از مهم‌ترین عوامل آبادانی محیط زیست انسان‌ها، تعامل سازنده، هم‌افزا، هماهنگ و مکمل آثار معماری با طبیعت و عناصر طبیعی است. از منظر اسلامی، طبیعت بخشی از وجود انسان، مادر، گهواره و مزرعه سیر و سیورورت تکاملی انسان است. حفظ، بهره‌وری و آباد کردن آن مسئولیت و رسالتی انسانی است. از این بعد مبتنی بر فرهنگ اسلامی، آثار معماری نباید طبیعت ستیز، طبیعت‌گریز و یا غرق طبیعت شوند، بلکه آثار معماری باید در کنار طبیعت و بهره‌ور از همه مواهب طبیعی و هم‌آهنگ با قوانین آن، برای انسان‌ها فضائی (هم‌افزا و مکمل) فضاهای طبیعی ایجاد نمایند. اگر ظاهر طبیعت در مجموع مناسب سیر در آفاق و مشترک انسان و حیوان‌هاست، فضای معماری باید مبتنی بر باطن طبیعت و مفاهیم آن که تفکر برانگیز و تعقل‌افزاست، مناسب سیر در انفس انسان‌ها و تکامل آگاهانه، اختیاری و وجودی آنها باشد [۲۱].

تحلیل و بررسی خانه‌ها بر اساس مؤلفه‌های هویت طبیعی

آنچه که در مورد پیدایش خانه می‌توان بیان کرد بیشتر بر اساس کوشش‌های ذهنی است و نمی‌توان دلیل قطعی و نظر نهایی داد اما می‌توان با بررسی عوامل فیزیکی عمده‌ترین دلایل را محدود نمود. این عوامل عبارت است از: اقلیم (آب و هوا)، نیاز به سرپناه، مصالح و تکنولوژی ساخت، موقعیت، جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و مذهبی [۱۰۳].

معماری مسکونی شیراز در روند مطالعاتی حاضر، حلقه زنجیری است که پیوندی دو جانبه با معماری درون‌نگرای کامل نقاط مرکزی و معماری برون‌نگرای بعضی از نقاط دیگر دارد. در مجموع معماری مسکونی شیراز خاص این شهر بوده و در کل یکی از پربارترین و غنی‌ترین نمونه‌های خانه در فرهنگ معماری ایران را در خود جای داده است.

خانه حیاط‌دار، اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده قطعات مسکونی بافت شهری می‌باشد. از خصوصیات این خانه‌ها، درون‌گرایی کامل آن است. در خانه‌های شیراز کلیه فضاها، حیاط را در بر گرفته است و این فضاها به غیر از هشتی، هیچ گونه ارتباط بصری و فیزیکی با مسیرهای بیرون خود ندارند. حیاط علاوه بر ارتباط بین فضاهای مختلف و سازماندهی فضاهای تابستان نشین و زمستان نشین، در بخشی از سال محل نشیمن بوده و در کلیه فصول فضای سبز زیبایی را به وجود آورده است. سازماندهی فضاها در بیشتر خانه در یک طبقه، همراه با

زیرزمین بوده و در بعضی خانه‌ها قسمت‌هایی از آن در دو طبقه گسترش یافته‌اند [۱۰۴].

در ادامه به تحلیل و بررسی نمونه‌های موردی، شامل خانه‌های شیراز در دوره‌های تاریخی زندیه، قاجاریه و پهلوی در قیاس با مؤلفه‌های هویت طبیعی پرداخته شده است. این خانه‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که از هر

سه قشر جامعه یعنی مرفه، متوسط و فقیر جامعه باشند تا مقایسه‌ی شایسته‌ای صورت گیرد. منازل انتخاب شده شامل خانه‌های محتشم، کاظم‌زاده و اکبری از دوره‌ی زندیه [۱۰۵]، خانه‌های فروغ‌الملک، منطقی‌نژاد و عطرش از دوره قاجاریه [۱۰۶]، خانه‌های شاپوری [۱۰۷]، مهندسی و رشالی از دوره پهلوی می‌باشند.

دوره تاریخی	نام بنا	تصویر	مؤلفه‌های هویت طبیعی			
			نور	باد	آب	گیاه
زندیه	خانه محتشم		- وجود ایوان در زمستان‌نشین برای ورود تابش در زمستان و عدم نفوذ تابش در تابستان - وجود راهرو در سمت جنوب شرقی تابستان‌نشین و نفوذ تابش در زمستان و گرم شدن هوا و عدم نفوذ تابش در تابستان - عقب‌رفتگی پنجره‌های شمال‌غربی تابستان‌نشین و کنترل ورود حداقل تابش - گره‌کاری چوبی در پنجره‌های زمستان‌نشین و کنترل تابش بسته به ارتفاع تابش - گره‌کاری آجری در نمای رو به جنوب شرقی زمستان‌نشین و سایه‌اندازی گره‌کاری‌ها بر روی خود در تابستان و نفوذ تابش زمستان با ارتفاع کم به اجزاء	کشیدگی حیاط مرکزی در راستای باد غالب و ایجاد جریان هوا در این امتداد؛ قرارگیری تابستان‌نشین در امتداد باد غالب جهت استفاده از آن	وجود دو حوض در امتداد باد غالب و کشیدگی حیاط مرکزی جهت کمک به تلطیف هوای تابستان-نشین	وجود باغچه‌ها در امتداد باد غالب جهت تصفیه هوای ورودی به تابستان-نشین
	خانه اکبری		- عقب‌رفتگی جزئی پنجره‌ها در نما به دلیل کنترل تابش در تابستان و زمستان - تفاوت در پلان تابستانه و زمستان‌نشین به صورتی که قسمت جنوبی بنا فاقد نورگیر می‌باشد - اتصال فضای جنوبی توسط پلکان به زیرزمین برای ارتباط زیرزمین از طریق روزنه‌هایی با حیاط جهت تهویه	قرارگیری بنا پشت به باد غالب شیراز	عدم استفاده از هرگونه آب در بنای فعلی	عدم استفاده از هرگونه گیاه در بنای فعلی
	خانه کاظم‌زاده		- وجود ایوان در جبهه اصلی و پنجره‌های دارای عقب‌رفتگی جهت کنترل نور و تابش - عمق بیشتر اتاق‌های شمالی و نورگیر کمتر در تابستان‌نشین و عتق کمتر و سطح بیشتر پنجره‌ها در اتاق‌های جنوبی زمستان‌نشین - توجه به بازتابش نور و محصوریت نسبی اتاق‌های مواجه با شکست نور	قرارگیری بنا پشت به باد غالب	وجود یک حوض با ابعاد کوچک نسبت به محوطه و عدم قرارگیری مناسب برای استفاده در راستای باد غالب	وجود درختان زیاد در محوطه بنا برای کمک به تعدیل و خنک کردن دمای محوطه
قاجاریه	خانه فروغ‌الملک		- دارای ایوان در جبهه رو به جنوب شرقی در حیاط مرکزی برای استفاده از آفتاب زمستان و کنترل در تابستان - وجود زمستان‌نشین در حیاط مرکزی بزرگ رو به جنوب-شرقی برای ایجاد عایق جهت فضای پشتی در تابستان - وجود بازشوهای عقب‌رفته با جزه‌های قطور جهت کنترل تابش در جبهه‌های شمال شرقی و جنوب‌غربی اطراف حیاط بزرگ - وجود جزه‌های قطور یا پنجره‌های عقب‌رفته جهت کنترل نور برای ایجاد تابستان‌نشین در قسمت رو به شمال بنا - کمک به ایجاد هوا و فضای مطلوب با در نظر گرفتن کنترل تابش زیرزمین	وجود تابستان-نشین‌ها در جنوب-شرقی بنا رو به باد غالب شیراز جهت کوران هوا	- وجود دو حوض در حیاط‌های بنا و کمک به تلطیف هوا در امتداد باد غالب؛ - وجود یک حوض در حوضخانه بدون دریافت نور مستقیم برای تعدیل دمای هوا (به خصوص خنک نمودن هوای تابستان‌نشین پستی)	استفاده از گیاه به عنوان شکننده تابش در جبهه‌های شمال شرقی و جنوب‌غربی حیاط بزرگ؛ کنترل نور تابستان‌نشین به وسیله گیاهان؛ قرارگیری گیاهان در امتداد حیاط و باد غالب برای کمک به تصفیه هوا جهت ورود به تابستان‌نشین‌ها
	خانه منطقی‌نژاد		- قرارگیری بنا جهت عدم دریافت نور غرب - جبهه غربی رو به جنوب شرقی جهت ایجاد زمستان‌نشین با پنجره‌های بدون عقب‌رفتگی - عقب‌رفتگی بازشوها در جبهه رو به شمال شرقی برای ایجاد تابستان‌نشین و عدم دریافت نور صبح تابستان - ضخامت زیاد جزه‌ها در اطراف بازشوهای شمال غرب بنا جهت کنترل تابش - وجود زیرزمین بدون نورگیر جهت استفاده در تابستان و تهویه توسط شبکه‌ها	استفاده از باد غالب تنها در راستای قسمت شرقی و نفوذ باد به درون آن جهت تهویه	قرارگیری یک حوض در راستای باد غالب جهت تهویه مطبوع فضاهای مقابل آن؛ ایجاد همرفت هوا به سمت زیرزمین توسط حوض آب	قرارگیری گیاهان بی‌خزان جهت کنترل نور شمال-غرب نفوذی به قسمت شرقی بنا

جدول ۱. چگونگی شکل‌گیری معماری بنای مسکونی با توجه به مؤلفه‌های هویت طبیعی در خانه‌های شیراز (مأخذ: نگارندگان)

	خانه عطروش		• دریافت نور از جبهه‌های شرقی و جنوبی • فقدان ایوان در طبقه همکف و عقب‌رفتگی نسبی در پنجره‌ها و بازشوها • وجود شاه‌نشین با حوض مرتبط با فضاهای اطراف با بازشوها • عقب‌رفته در جبهه شمالی جهت ایجاد تابستان‌نشین و حوضخانه و همچنین استفاده در زمستان • دریافت نور محدود از شرق در زمستان توسط جبهه غربی بنا • وجود ایوان در طبقه دوم بنا جهت شکستن تابش در تابستان	عدم استفاده مناسب بنا در مواجهه با باد غالب شیراز	وجود یک حوض در داخل بنا برای ایجاد حوضخانه و تعدیل دمای هوای داخل؛ وجود یک حوض در حیاط‌خانه جهت هم‌رفتی به سمت طبقه همکف بنا (اکنون حوض به باغچه تبدیل شده)	وجود انبوه گیاهان در حیاط بنا به خصوص در جبهه-های غربی و شمال‌غربی برای کنترل تابش؛ وجود گیاهان در جهت باد غالب برای تلطیف هوای ورودی به بنا
	خانه شاپوری		• جهت‌گیری اصلی نورگیر و ایوان‌ها و شاه‌نشین‌ها به سمت جنوب‌شرقی • کنترل تابش توسط ایوان و سایه‌بان در جبهه اصلی بنا • وجود یک دسترسی فرعی در جبهه غربی همراه با یک ایوان ستون‌دار و بازشوهای غربی محدود از نظر اندازه جهت کنترل تابش ورودی • وجود سربله بر روی هسته مرکزی دارای شیشه جهت نفوذ تابش مایل زمستان به درون بنا • وجود بازشوهای کم در جبهه شمال‌شرقی مواجه با تابش صبح تابستان	امکان ورود باد غالب از شمال‌غربی توسط بازشوهای تعبیه شده و کاناله شدن و هدایت درون فضای داخل؛ ایجاد یک قسمت قیف‌مانند در پلان در سمت باد غالب برای ایجاد فشار بیشتر برای کمک به جریان بیشتر هوا توسط بازشوها	استفاده از هم‌رفت هوا از سطح آب حوض بزرگ درون حیاط به سمت همکف بنا؛ وجود حوضخانه در جبهه مواجهه با باد غالب در طبقه همکف برای ایجاد جریان هوای مطبوع در درون بنا	وجود انبوه گیاهان در حیاط بنا به خصوص در جبهه-های غربی و شمال‌غربی برای کنترل تابش؛ وجود گیاهان در جهت باد غالب برای تلطیف هوای ورودی به بنا
	خانه مهندسی		• وجود ایوان ستون‌دار در طبقه اول و وجود فضاهای اصلی در پشت آن برای کنترل تابش • وجود قسمت اصلی بنا رو به جنوب‌شرقی برای کنترل و بهره‌گیری از تابش در تابستان و زمستان • شکافت بنا توسط پلکان برای ایجاد سایه بر جداره‌ها و خنک شدن جداره‌ها • عقب‌نشینی پنجره‌های همکف بنا جهت کنترل تابش • وجود یک ایوان در غرب قسمت ساخته شده شرقی جهت کنترل تابش و ایجاد تابستان‌نشین در این قسمت	کشیدگی حیاط مرکزی در امتداد باد غالب شیراز و هدایت آن به سمت بنای شرقی (تابستان‌نشین)؛ تقویت هدایت جریان باد به دلیل فرم کلی قیف‌مانند حیاط مرکزی	وجود دو حوض در امتداد حیاط و باد غالب جهت تهویه مناسب‌تر؛ ایجاد جریان هم‌رفتی توسط دو حوض به همکف بنا به خصوص به دلیل دو پله بودن حیاط‌ها نسبت به همکف بنا	وجود انبوه گیاهان خزان‌دار و بی-خزان؛ قرارگیری گیاهان در جهت باد غالب و کمک به تصفیه و تلطیف هوا
	خانه رسالی		• وجود ایوان به سمت جنوب در طبقه اول ضلع شمالی و دارا بودن فضاهای بزرگ در پشت آن و فضاهای خدماتی بدن نیاز به نور در پشت فضاهای اصلی • قرارگیری تراز طبقه همکف ضلع شمالی با دو پله پایین‌تر از حیاط و دارای نورگیر بدون عقب‌رفتگی که پشت آن یک راهرو به عنوان عایقی برای فضاهای پشتی قرار گرفته و نفوذ کم تابش در تابستان و شکستن توسط راهرو و نفوذ تابش تا عمق زیاد در زمستان • وجود اتاق‌هایی در همکف ضلع جنوبی بدون نورگیر (فضای خنک) • وجود فضاهایی در طبقه اول ضلع جنوبی دارای نورگیر اما بدون حضور فضاهای خدماتی در پشت آن (بدلیل ضعف نور شمال)	کشیدگی حیاط در جهت باد غالب و ایجاد جریان هوا به سمت تابستان‌نشین	وجود حوض آب نسبتاً بزرگ درون حیاط و ایجاد خنکی جریان باد غالب به سمت تابستان‌نشین؛ وجود حوض آب و ایجاد جریان هم‌رفتی به همکف بنا	قرارگیری گیاهان موجود در جهت باد غالب برای تلطیف و تصفیه هوای ورودی به تابستان‌نشین

ادامه جدول ۱. چگونگی شکل‌گیری معماری بنای مسکونی با توجه به مؤلفه‌های هویت طبیعی در خانه‌های شیراز (مأخذ: نگارندگان)

یافته‌های تحقیق

- وجود تابستان‌نشین در مقابل باد غالب و فضای سبز و حوض جهت ایجاد کوران و تهویه مناسب هوا

- تفاوت بین تابستان و زمستان‌نشین با توجه به سطح باز شو و عمق فضا (بازشو و عمق فضا در تابستان‌نشین کمتر)

- عقب‌رفتگی پنجره‌ها و وجود تزئینات جهت کنترل تابش

- استفاده از زیرزمین جهت فضای مطبوع‌تر

پس از بررسی‌های صورت گرفته در خانه‌ها در دوره‌های تاریخی می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

خانه‌های دوره زندیه

- قرارگیری قسمت اصلی بنا (که معمولاً دارای ایوان نیز می‌باشد) پشت به باد غالب و رو به جنوب شرق و شرق

- قرارگیری قسمت اصلی بنا رو به شرق و جنوب شرق همراه با ایوان جهت ایجاد زمستان‌نشین و استفاده در تابستان به دلیل کنترل تابش

- قرارگیری بنای اصلی پشت به باد غالب (جهت استفاده بهتر از تابش، جهت قرارگیری به سمت جنوب شرق)

- وجود آب به صورت حضور حوض در حیاط

- وجود گیاه یا در امتداد باد غالب یا به صورت باغ

- شکل حیاط‌ها معمولا مستطیل شکل و گاهی به صورت مرکزی که تناسب حیاط‌ها بین ۱/۲ تا ۱/۵ می باشد

- قرارگیری بنا و حیاط معمولا پایین تر از سطح کوچه

- نسبت ارتفاع به عمق ایوان بین ۱/۴ تا ۱/۵

- قرارگیری ایوان‌های موجود معمولا رو به جنوب شرقی یا غربی

- ابعاد بزرگ‌تر برای بازشوها در زمستان نشین‌ها نسبت به تابستان نشین‌ها

خانه‌های دوره قاجاریه

- ساخته شدن بناها عمدتاً پشت به غرب و دارای حیاط مرکزی با کشیدگی در امتداد باد غالب و گاهی عمود بر باد غالب

- گستردگی بیشتر جبهه رو به جنوب شرق جهت استفاده زمستان نشین و دارای پنجره‌های بزرگ برای نورگیری بیشتر

- وجود ایوان در جبهه رو به جنوب شرقی و رو به جنوب جهت کنترل تابش در تابستان

- وجود عقب‌رفتگی در پنجره‌ها در جبهه رو به جنوب شرقی و شمال غربی جهت کنترل تابش

- وجود جرزهای ضخیم‌تر در جبهه رو به غرب و شمال غرب برای کنترل تابش

- وجود زیرزمین دارای نورگیر محدود (شبک) در برخی از بناها برای کنترل تابش و ایجاد جریان هوا

- وجود فضایی دارای حوض یا در ارتباط با حوضخانه (که در کنار تابستان نشین قرار گرفته است) جهت تعدیل دما و خنک شدن هوای داخل

- وجود تابستان نشین (که در آن تابش تا حدی کنترل شده می باشد) در مقابل باد غالب

- حضور حوض در حیاط و در امتداد باد غالب برای کمک به تهویه مناسب ترفضای تابستان نشین و هدایت جریان همرفتی خنک به سمت فضاهای زیرین

- قرارگیری گیاهان در امتداد باد غالب جهت تصفیه هوا، تعدیل و تلطیف آن

- قرارگیری گیاهان به نحوی برای به کنترل درآوردن تابش بر قسمت‌های ساخته شده (گیاهان خزان دار و بی خزان)

- تناسبات متفاوت حیاط مرکزی در بناها (در یکی تناسب طول به عرض برابر ۱/۵ و در بناهای دیگر برابر ۱ می باشد)

- استفاده از هوای مطلوب‌تر در بناهای دارای فضاهایی پایین تر از سطح حیاط

- وجود ایوان در بناها (که معمولا در مقابل تابستان نشین قرار گرفته‌اند و تناسب ارتفاع به عمق ایوان‌ها بین ۱/۲۵ و ۱/۶۶ می باشد)

- بیشتر بودن درصد بازشوها در فضاهای با کاربری زمستان نشین از درصد بازشوی فضاهای میانی و بیشتر بودن درصد بازشوی فضاهای میانی از فضاهای تابستان نشین

- دارا بودن عمق بیشتر فضاهای تابستان نشین با وجود بازشوی کمتر

خانه‌های دوره پهلوی

- جهت‌گیری بناها و نمای اصلی و قسمت‌های اصلی (که فضاهای بزرگ را شامل می شوند) رو به جنوب شرقی و جنوب

- عقب نشینی پنجره‌ها و ضخامت جرزها جهت کنترل تابش در قسمت‌های فاقد ایوان

- قرارگیری فضاهای خدماتی بدون نیاز به نور در پشت فضاهای اصلی

- قرارگیری زیرزمین و فضاهای پایین تر از حیاط در برخی از بناها جهت تهویه مناسب‌تر

- کشیدگی حیاط‌ها در امتداد باد غالب جهت استفاده مناسب تر از باد در تابستان نشین و تمهید برای ورود باد با فشار توسط خالی‌شدگی قیف مانند و راهروی مقابل آن در بناهای کوشک مانند (منزل شاپوری)

- وجود حوض‌ها (در منزل مهندسی دارای دو حوض در دو سطح از حیاط) جهت تلطیف هوا و ایجاد جریان همرفتی به سوی قسمت‌های زیرین بنا

- وجود حوضخانه در همکف منزل شاپوری و پایین تر از سطح همکف برای ایجاد فضای مطلوب‌تر و جریان هوای خنک به درون بنا

- وجود گیاهان در مسیر باد غالب برای کمک به تهویه مناسب ترو در اطراف کوشک برای ایجاد سایه بر روی بنا و بخصوص در همکف بنا (که بازشوی بیشتری دارد) برای کنترل تابش

- تناسب متفاوت در حیاط‌ها (بصورتی که در منزل مهندسی دارای دو حیاط با تناسب طول به عرض برابر ۱ در کنار هم می‌باشد و در منزل رشالی با نسبت ۱/۵)

- وجود ایوان در بناها به تناسبات متفاوت ارتفاع به عمق بین ۱/۲ و ۱/۶ در قسمت‌های رو به جنوب، رو به غرب و رو به جنوب شرقی (جهت کنترل تابش)

- وجود بیشتر بازشوها در جبهه رو به جنوب شرقی جهت زمستان نشین و بیشتر بودن سطح بازشوهای تابستان نشین بدلیل نور ضعیف شمال برای داشتن روشنایی مناسب در فضاهای بدون واسطه پشت آن

- درصد کمتر بازشوها در جنوب شرقی عمارت شاپوری به دلیل عمق کم ایوان، (با این تفاوت که حالت هلالی آن کمک به دریافت نور و تابش در جهات مختلف می‌کند) و کوچک تر شدن بازشوها در این بنا در طبقه دوم به دلیل عدم توانایی درختان در ایجاد سایه بر روی آن‌ها

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ضمن بیان تأکید آیات قرآنی و احادیث به مسأله «حیات»، به «طبیعت» پرداخته شد و تأکید اساتید اخلاق بر رهبری امور توسط انسان تحت عقل و وحی و همچنین تأکید تفاسیر فقهی شیعه بر حکم تحریم شرعی در مورد تجاوز از حدود و استفاده ناروا از نعمت‌های خداوند و طبیعت و همچنین تأکید بر بُعد اخلاقی طبیعت مورد توجه قرار گرفت. با توجه به موارد گفته شده به بیان اهمیت مؤلفه‌های طبیعی آن در آیات قرآنی و روایات، به بررسی و بازخوانی مؤلفه‌های طبیعی هویت معماری مسکن، در معماری ایرانی اسلامی پرداخته شد و در دوره‌های زندیه، قاجاریه و پهلوی در شیراز، معماری مسکونی مورد بازخوانی قرار گرفت. مسلم است که معماری سنتی ایرانی اسلامی در سه دوره مذکور به حیات و مؤلفه‌های طبیعی ذکر شده در آیات قرآنی توجه داشته است و می‌توان گفت «حیات» در معماری مسکونی خانه‌های زندیه، قاجاری و پهلوی با توجه به موارد فوق الذکر ایجاد شده است، لذا «مؤلفه‌های طبیعی حیات» را می‌توان برای آن لحاظ نمود. با توجه به مطالب ارائه شده موارد زیر در قیاس معماری این سه دوره تاریخی با معماری امروز و معاصر قابل تأمل است:

۱- دستگاه‌های آسایش دمایی خانه معاصر به بنا الحاق می‌شود؛ در حالی که در بنای تاریخی عوامل آسایش‌زا مانند بادگیر، زیرزمین، سایه‌انداز، حوض، باغچه به شیوه‌ای یکپارچه درون سازمان فضایی ادغام شده است.

۲- حیاط در خانه معاصر تعریف شده نیست و حتی به محلی برای توقف اتومبیل تبدیل شده است؛ اما در خانه تاریخی به عنوان اصلی‌ترین فضای باز، همزیستی با طبیعت را نشان می‌دهد.

۳- در خانه معاصر افزایش فضاهای بسته در قالب اتاق خواب در هر ابعادی است؛ اما در خانه تاریخی امکان بسط فضای باز و بسته وجود داشته است.

۴- فضاهایی مثل تراس و ایوان به صورت محدود در خانه معاصر وجود دارد؛ اما در خانه تاریخی با رعایت حریم، چشم‌انداز به فضای باز بسیار زیاد بوده است.

۵- نور عاملی مهم در خانه تاریخی بوده و وجود پنجره‌های زیبا شاهد این ماجرا است؛ اما در بنای معاصر توجه به نور طبیعی در حداقل ممکن است.

سخنگویان جامعه انتظار جامعه از معماری و شهرسازی را با تعبیری کلی مانند «هویت» یا «الگوی بومی» بیان می‌کنند. اما ارجاعات به تصاویر هویتی تماماً متعلق به گذشته است. برای ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید باید بین فرهنگ، عقاید، آداب، عادات، فنون، حرف کنونی و شکل دست‌ساخته‌ها از جمله معماری، مراحل نامریی از تبدیل و تبدل طی شود که جز در سایه هماهنگی بین مجموعه نیروها و نهادهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی میسر نمی‌گردد. در اینجا است که توجه به پارادایم مسکن ضرورت می‌یابد، چرا که توجه به الگوواره‌هایی برای معماری ایرانی. اسلامی در اسناد مختلف بالادست اشاره شده است. اما توجه به این نکته ضروری است که کلمات اسلامی و ایرانی فقط صفت نیستند و مفهومی والاتر از یک صفت را دارند و به واقع اصولی ارزشی هستند. زیرا با بینش افراد جامعه ایران ارتباطی تنگاتنگ دارند. بنابراین باز هم توجه به پارادایم مسکن ضرورت می‌یابد و موارد زیر می‌تواند به ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید کمک نماید:

۱- معماری مسکونی امروز که در شهرهای سنتی ایرانی معاصر قرار گرفته است، نمی‌تواند یکسره تقلیدی از معماری غربی و یا تماماً به سبک سنتی باشد و بهتر است تلفیقی از معماری سنتی و تکنولوژی روز، با رعایت نکات مربوط به ضروریات زندگی امروز و با رعایت ارزش‌های

منابع

- 1- Rajabi Bagherabad M. (2014). Quran, Nature and its rights from the perspective of both Sunni and Shiite jurisprudence interpreting. Bioethics Journal, No 29-11 :12.
- 2- Naghizadeh M. (2005). The Significance of Nature in Iranian Culture and Cities. Tehran, Iran: Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- 3- The holy Quran, Chapter 35: FATER (The Originator), verse 39.
- 4- The holy Quran, Chapter 17: ESRA (The Night Journey), verse 70.
- 5- The holy Quran, Chapter 27: NAML (The Ant), verse 61.
- 6- The holy Quran, Chapter 7: ARAF (The Heights), verse 24.
- 7- The holy Quran, Chapter 7: ARAF (The Heights), verse 74.
- 8- The holy Quran, Chapter 40: MOMEN (The Believer), verse 39.
- 9- The holy Quran, Chapter 2: AL-BAQARA (The Cow), verse 36.
- 10- The holy Quran, Chapter 102: TAKASOR (Rivalry), verse 8.
- 11- Tohaf-AL-Oghoul: 325.
- 12- Al-Jamee-Al-Saghir. 514 :2.
- 13- Javadi Amoli A. (2014). Mafatih-Al-Hayat. Ghom: Asra Publication.
- 14- Daneshpour A., Shiri E. (2015). Physical-Functional Components Comprising the Identity of Historical Texture of Iranian-Islamic City. Naghshejahan Journal (Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning), Volume 5, Issue 1: 25-17.
- 15- Nasr S. H. (1987). Islamic science: an illustrated study, translated by Ahmad Aram, Tehran: Soroush Publications.
- 16- Kiaei E., Baba Abbasi M. (2015). Studying the Principles and Rules Governing the Urban Structure of Islamic Cities in order for

فرهنگی و در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی، از ویژگی‌های مثبت معماری سنتی و مدرن هر دو استفاده کند.

۲- معماری بومی نه تنها یک نیاز مقطعی نیست، بلکه نیازی تاریخی است. به تبع آن شهرسازی بوم‌گرا نیز تنها نباید به عنوان نیازی مقطعی مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که شهرایرانی-اسلامی در گذار تاریخ همواره با توجه به بوم و اقلیم منطقه شکل گرفته است.

۳- خصوصیات اصلی معماری و شهرسازی اسلامی نه در ایجاد عناصر و الگوهای جدید که در نحوه به کارگیری، سازمان‌دهی و ترکیب آن‌ها نهفته است.

۴- با در معرض خطر قرار گرفتن هویت محلی و معماری بومی در آینده توجه به اصول معماری ایرانی می‌تواند در حفظ مسکن بومی هر منطقه از کشور کمک کند.

بنابراین می‌توان گفت در طراحی مسکن امروزی باید به اصول معماری ایرانی سنتی توجه نمود و ضوابطی را در نظر داشت که بینش و هویت ایرانی را هم مد نظر داشته باشد. ارزش‌هایی که در معماری سنتی ایرانی به عنوان الگوواره‌هایی وجود داشته است و مسأله «طبیعت» و «بعد اخلاقی طبیعت» نیز در آن لحاظ شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لا تطیب السکنی الا بثلاث: الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الارض الخواره
۲. ما من رجل یغرس غرسا الا کتب الله له من الاجر قدر ما یرج من ثمر ذلک الغرس
۳. او شما را از زمین پدید آورد و از شما طلب آبادانی کردن در آن را خواست.
۴. قال رسول الله: "تحفظوا من الارض فانها امکم ولیس فیها احد یعمل خیرا و شر الا و هی مخبره به"
۵. قال رسول الله: «ما قبل یضرب الارض به عصا فقال رسول الله لا تضربها فانها امکم و هی بکم بره»
۶. ...ان قامت الساعته و فی ید احدکم الفسیله فان استطاع ان لا تقوم الساعته حتی یغرسها فلیغرسها
۷. اشاره به زنده شدن زمین در اثر رویش گیاهان با نزول باران
۸. اشاره به میوه‌ها

Architecture and Planning), Volume 6, Issue 72-60 :2.

- 30- The holy Quran, Chapter 24: NOOR (The Light), verse 35.
- 31- Tabatabai M. H. (1982). Al -Mizan: an exegesis of the Quran. Volume 34. Tehran, Iran: Mohammadi Publications.
- 32- The holy Quran, Chapter 76: AL-ENSAN (Man), verse 13.
- 33- Gharaati M. (2014). Portrait of Housing and Islamic City. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center Publications.
- 34- The holy Quran, Chapter 25: FORGHAN (The Criterion, Salvation), verse 48.
- 35- The holy Quran, Chapter 27: NAML (The Ant), verse 63.
- 36- The holy Quran, Chapter 30: ROME (The Greeks, The Romans), verse 46.
- 37- The holy Quran, Chapter 51: ZARIAT (The Scatterers), verse 41.
- 38- The holy Quran, Chapter 33: AHZAB (The Confederates), verse 9.
- 39- The holy Quran, Chapter 46: AHGHAF (The Sand-Dunes, The Sandhills), verse 24.
- 40- The holy Quran, Chapter 30: ROME (The Greeks, The Romans), verse 51.
- 41- The holy Quran, Chapter 41: FOSSELAT (The Distinguished, Distinctly Explained), verse 16.
- 42- The holy Quran, Chapter 69: AL-HAGHE (The Indubitable, The Infallible), verse 7.
- 43- The holy Quran, Chapter 15: HEJR (El-Hijr, The Rock), verse 22.
- 44- The holy Quran, Chapter 7: ARAF (The Heights), verse 57.
- 45- Mostadrak-Al-Vasayel, 460 :13.
- 46- The holy Quran, Chapter 2: AL-BAQARA (THE COW), verse 25.
- 47- The holy Quran, Chapter 14: EBRAHIM (Abraham), verse 23.
- 48- The holy Quran, Chapter 3: AL-E-EMRAN (The House of or The Family of Imran), verse 15.

Achieving and Creation of an Islamic-Iranian Utopia. Naghshejahan Journal (Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning), Volume 5, Issue 74-59 :1.

- 17- Davari Ardakani R. (2003). The city and its inhabitants. Culture and Art Journal, No. 47.
- 18- Nasr T. (2016). Urban Physical Identity; Conceptual Basis and Theories (The Case Studies: Shiraz, Isfahan, Yazd and Bushehr). Tehran, Iran: Science and Research Branch, Islamic Azad University Publications.
- 19- Nasr S. H. (2000). Encounter of Man and Nature Man and Nature: the spiritual crisis of modern man, translated by Gavahi A.R. Tehran: Islamic Culture Publications Office.
- 20- The holy Quran, Chapter 11: HOOD (Hood), verse 61
- 21- Noghrehkar A.H. (2014). Interpretation of Islamic Philosophy in Art and Architecture. Tehran: New Thought Book Publishing.
- 22- The holy Quran, Chapter 95: TIN (The Fig), verse 4.
- 23- The holy Quran, Chapter 45: JASIEH (Hobbling, The Kneeling), verse 3.
- 24- Behar, 97 :7.
- 25- Behar, 94 :57.
- 26- The holy Quran, Chapter 41: FOSSELAT (The Distinguished, Distinctly Explained), verse 53.
- 27- Rahimiyan S. (1997). Effulgence and Manifestation in the Theoretical Mysticism. Ghom: Islamic Propagation Office.
- 28- Khatibi S.M.R. (2013). The Effect of Behavioral Pattern for Regeneration of Urban Environment Identity in Urban Designed Interventions (Case Study: Entrance Area of Sanandaj). Hoviat Shahr Journal, No. 73-63 :13.
- 29- Zarghami E., Sadat S.A. (2016). A comparative analysis of indicators of housing on the basis of today's Persian-Islamic culture with apartment housing. Naghshejahan Journal (Basic Studies and New Technologies of



شماره ۷-۳
پاییز ۱۳۹۶
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

پایزانی
خانه های تاریخی شهر شیراز تأکید بر جایگاه مؤلفه های طبیعی در حیات قرآنی



شماره ۳-۷
پاییز ۱۳۹۶
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

پارچه‌ای خانه های تاریخی شهر شیراز با تأکید بر جایگاه مؤلفه های طبیعی در حیات قرآنی

- 69- The holy Quran, Chapter 9: TOBE (The Repentance), verse 89.
- 70- The holy Quran, Chapter 9: TOBE (The Repentance), verse 100.
- 71- The holy Quran, Chapter 10: YOUNES (Jonah), verse 9.
- 72- The holy Quran, Chapter 13: RAED (The Thunder), verse 35.
- 73- The holy Quran, Chapter 16: NAHL (The Bee), verse 31.
- 74- The holy Quran, Chapter 18: KAHF (The Cave), verse 31.
- 75- The holy Quran, Chapter 20: TAHA (Ta Ha), verse 76.
- 76- The holy Quran, Chapter 22: HAJ (The Pilgrimage), verse 14.
- 77- The holy Quran, Chapter 22: HAJ (The Pilgrimage), verse 22.
- 78- The holy Quran, Chapter 29: ANKABOOT (The Spider), verse 58.
- 79- The holy Quran, Chapter 47: MOHAMMAD (Muhammad), verse 12.
- 80- The holy Quran, Chapter 48: FATH (The Victory), verse 5.
- 81- The holy Quran, Chapter 98: BAYYENEH (The Clear Sign, The Clear Evidence), verse 8.
- 82- The holy Quran, Chapter 56: VAGHEE (The Terror, The Event), verse 1.
- 83- The holy Quran, Chapter 76: DAHR (Man), verse 6.
- 84- The holy Quran, Chapter 51: ZARIAT (The Scatterers), verse 15.
- 85- The holy Quran, Chapter 47: MOHAMMAD (Muhammad), verse 15.
- 86- The holy Quran, Chapter 32: SAJDEH (The Prostration), verse 27.
- 87- The holy Quran, Chapter 71: NOOH (Noah), verse 129.
- 88- The holy Quran, Chapter 26: SHOARA (The Poets), verse 134.
- 89- The holy Quran, Chapter 69: AL-HAGHE (The Indubitable, The Infallible), verse 11.
- 49- The holy Quran, Chapter 3: AL-E-EMRAN (The House of or The Family of Imran), verse 136.
- 50- The holy Quran, Chapter 3: AL-E-EMRAN (The House of or The Family of Imran), verse 195.
- 51- The holy Quran, Chapter 2: AL-BAQARA (THE COW), verse 146.
- 52- The holy Quran, Chapter 95: TIN (The Fig), verse 1.
- 53- The holy Quran, Chapter 6: ANAM (The Cattle), verse 99.
- 54- The holy Quran, Chapter 6: ANAM (The Cattle), verse 141.
- 55- The holy Quran, Chapter 2: AL-BAQARA (THE COW), verse 266.
- 56- The holy Quran, Chapter 55: AL-RAHMAN (The All-Merciful, The Beneficent), verse 11.
- 57- The holy Quran, Chapter 55: AL-RAHMAN (The All-Merciful, The Beneficent), verse 12.
- 58- The holy Quran, Chapter 55: AL-RAHMAN (The All-Merciful, The Beneficent), verse 68.
- 59- The holy Quran, Chapter 39: ZOMAR (The Companies, The Troops), verse 20.
- 60- The holy Quran, Chapter 7: ARAF (The Heights), verse 43.
- 61- The holy Quran, Chapter 3: AL-E-EMRAN (The House of or The Family of Imran), verse 198.
- 62- The holy Quran, Chapter 4: NESA (The Women), verse 13.
- 63- The holy Quran, Chapter 4: NESA (The Women), verse 57.
- 64- The holy Quran, Chapter 4: NESA (The Women), verse 122.
- 65- The holy Quran, Chapter 5: MAEDE (The Table, The Food), verse 12.
- 66- The holy Quran, Chapter 5: MAEDE (The Table, The Food), verse 85.
- 67- The holy Quran, Chapter 5: MAEDE (The Table, The Food), verse 119.
- 68- The holy Quran, Chapter 9: TOBE (The Repentance), verse 72.

- 105- Nasr T. (2008). Urbanism and Architecture in the Zand Period. Shiraz, Iran: Navid Shiraz Publications.
- 106- Roshanfekar R. (2014). Residential Complex with an emphasis on restoration of climatic architectural components. Thesis in M.A. architecture. Shiraz: Islamic Azad University.
- 107- Nasr T. (2004). Architecture and Urbanism of Shiraz in the Pahlavi Period (1978-1922). Tehran, Iran: Rowzanehkar Publications.
- 90- Naghizadeh M. (2012). The City of Vigilance (Principles, Methods, Manifestations). Tehran, Iran: Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- 91- Ravandi Gh. (1984). Fiqh of the Quran. Ghom: Library of Marashi Najafi –Ayatollah-Publications.
- 92- The holy Quran, Chapter 13: RAED (The Thunder), verse 25.
- 93- Mohaghegh Damad M. (1992). Nature and the Environment of Man from the Point of View of Islam. Rahnamoon Journal, No. 3-2.
- 94- <http://www.esra.ir>
- 95- Naghizadeh M. (2000). The Relationship between Identity of Iranian Architectural Tradition and Modernity and Modernism. Honarhaye Ziba Journal, No.91-79 :7.
- 96- Zolfagharzadeh H., Hessari P. (2014). Ecological View to the Architecture of Habitats. Housing and Rural Environment Journal. No. 44-29 :145.
- 97- Nasr T. (2016). The Significance of "Residential Architecture" Paradigm in the Image of Today Iranian Islamic Cities. Journal of Studies on Iranian-Islamic City. No. 78-67 :22.
- 98- Ardalan N. (2010). Habital bill of rights presented by Iran. Tehran: Yadavaran.
- 99- The holy Quran, Chapter 11: HOOD (Hood), verse 62
- 100- Al-Kafi, 280 :5.
- 101- Nahj-Al-Balagheh, Letter 53.
- 102- Noghrehkar A.H. (2014). Theoretical Foundations of Architecture. Tehran: Payam-e-Nour University Publications.
- 103- Rapoport A. (2013). Pour une anthropologie de la maison. Translated by Afzalian Kh., Mashad: Ketabkadeh Kasma publication.
- 104- Memarian Gh. (1996). Introduction to Residential Architecture of Persia: typology introverted. Tehran, Iran: University of Science and Technology Publications.



شماره ۳-۷
پاییز ۱۳۹۶
فصلنامه
علمی-پژوهشی

**نقش
جهان**

پایه‌های تاریخی شهر شیراز تأکید بر جایگاه مؤلفه‌های طبیعی در حیات قرآنی